

بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور

سعیده بزرگ زاد^۱
شهلا کاظمی پور^۲
رضا علی محسنی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۲/۳۰

مقاله حاضر براساس اطلاعات به دست آمده از مطالعه «عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور» تدوین شده است. روش تحقیق، ترکیبی (کیفی - کمی) است. در بخش کیفی، ۲۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته با نمونه گیری هدفمند با نخبگان تحت پوشش بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. مصاحبه ها با روش استقرایی، کد گذاری باز شد و کدهای باز براساس معانی مشترک ظاهری و مقایسه مداوم در قالب زیر طبقه و طبقه های فرعی و اصلی دسته بندی گردیدند. نتایج این مرحله نشان داد عمده ترین عوامل و مشکلات برشمرده توسط پاسخگویان در مورد تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور، عبارت اند از: مشکلات مراکز علمی - پژوهشی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، برنامه ریزی، قانونی و زیر ساخت های ارتباطی و فناوری. در بخش کمی، با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه، اطلاعات لازم گردآوری شد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۱۸۳ نفر برآورد شد و از روش نمونه گیری تصادفی ساده ۲۰۰ نفر مورد نظرسنجی قرار گرفتند. در این تحقیق براساس نظریه های «جاذبه دافعه» اورت لی و پرتز، «الگوی جهان گرای» جانسون و نظریه های «دوگانگی ساختاری»، «بحران منزلتی»

۱. دانشجوی دکتری جمعیت شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار، گروه جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار، جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

و «سرمایه انسانی»، عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان مورد کندوکاو قرار گرفت. بعد از تجزیه و تحلیل های رگرسیونی مشاهده شد که عوامل اجتماعی و علمی (موانع) در مبدا، عوامل علمی و اجتماعی در مقصد و عوامل مداخله گر در مقصد بر تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تاثیر دارند.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، نخبه، تمایل به مهاجرت، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی



مقدمه

یکی از مباحث اساسی در زمینه توسعه، بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعدادهای نیروی انسانی بخصوص نیروهای انسانی متخصص و تحصیل کرده در جامعه است. به عبارت دیگر، میزان بهره‌گیری منابع انسانی از فرصت‌های مناسب توسعه، همواره به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی توسعه انسانی مطرح بوده و هست. بسیاری از جوامع بشری متوجه شده‌اند که رشد و پیشرفت افراد نخبه و سرآمد می‌تواند یکی از جنبه‌های اساسی توسعه و تحول در هر کشوری باشد.

نخبه، فردی باهوش، مستعد، خلاق، کارآفرین و با نبوغ فکری می‌باشد که با فعالیت ذهنی خود و ایجاد نوآوری، به رشد و توسعه کشور سرعت می‌بخشد. نخبگان می‌توانند امور را بهتر انجام دهند و قدم‌های مؤثری در رفع مشکلات محیط، جامعه و کشور بردارند (اساسنامه بنیاد ملی نخبگان).

دانش‌آموختگان و نخبگان دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای هستند که در صورت وجود فضاهای مناسب، قادرند توانمندی‌های خود را بروز دهند و به سرمایه‌های انسانی تبدیل نمایند. بی تردید، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نخبگان و دانش‌آموختگان سهم منابع انسانی را در تولید علم افزایش می‌دهد و توسعه مبتنی بر دانایی را با محوریت رشد انسان آگاه، خلاق و آزاد محقق خواهد کرد.

نیروی انسانی متخصص و با انگیزه، مهمترین سرمایه بشریت در حفظ و توسعه حیات است و پیشرفت و ترقی کشورها در گرو جذب، پرورش، نگهداری و بهره‌برداری صحیح از نخبگان و منابع انسانی فرهیخته می‌باشد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها که طی سال‌ها و با صرف منابع مادی و معنوی نامحدود میسر می‌شود، متخصصان را به سرمایه ملی مبدل می‌کند.

علیرغم تحمل هزینه و سرمایه‌گذاری زیاد کشورهای در حال توسعه برای تربیت این منابع، این کشورها با پدیده‌ای به نام «مهاجرت نخبگان» یا «فرار مغزها» روبه‌رو هستند. این امر لطمات جبران‌ناپذیری را از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به این کشورها وارد می‌سازد و عملاً فرصت بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری را از آنها سلب می‌نماید (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲).

اصطلاح «فرار مغزها» که معادلی برای مهاجرت نخبگان می‌باشد، به نوعی اجبار در مهاجرت نیروی کار، متخصص و ماهر از سرزمین مبدأ اشاره دارد. این مفهوم عملاً ناظر به وضعیتی است که در آن نیروهایی از کشور مهاجرت می‌کنند که اولاً کشور مبدأ به آنان نیاز دارد، ثانیاً کشور توان حفظ و نگهداری آنان را در مرزهای خود ندارد.

مسئله مهاجرت نخبگان یک مسئله چند بعدی است که از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و در نهایت جمعیتی می‌توان به آن توجه کرد. پدیده مهاجرت نخبگان از حادترین مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران می‌باشد.

طبق آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان، رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود داراست و همچنین مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا می‌باشد (دفتر جمعیت سازمان ملل، ۲۰۱۳).

بنا بر گزارش موسسه آموزش بین المللی (یونسکو)، تخمین زده می شود دانشجویان ایرانی در سال ۲۰۱۵ بیش از ۳۲۰ میلیون دلار وارد چرخه اقتصاد آمریکا کرده باشند. این میزان سرمایه‌ای که از کشور خارج شده تقریباً نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان است و در رده بندی ایران از بین ۱۵ کشور اول دنیا از نظر تعداد دانشجوی در آمریکا طی سال‌های ۱۵-۲۰۱۴، با تعداد ۱۰ هزار و ۱۹۴ دانشجو بعد از مکزیک رتبه یازدهم را به خود اختصاص داده است.

براساس گزارش بنیاد ملی نخبگان^۱، طی ۱۸ سال (۱۳۹۶-۱۳۷۸) ۲ درصد از کل دانشجویان ایرانی از کشور خارج و تا سال ۲۰۱۶ بیش از ۵ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور مشغول تحصیل و کار بوده اند. مطالعات این بنیاد حاکی از آن است که به طور متوسط ۱۵ درصد از رتبه‌های برتر آزمون‌های سراسری بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ به خارج مهاجرت کرده اند.

شاخص جریان بالقوه مهاجرت و جذب استعدادها (نخبگانی که تمایل به ورود به کشور دارند، منهای نخبگانی که میل به خروج از کشور دارند نسبت به کل جمعیت)، برابر ۰/۲۷- درصد است؛ یعنی اگر محدودیت‌ها حذف شود، تعداد افراد با استعداد و نخبه‌ای که از کشور خارج می شوند، بیش از آنهایی است که وارد کشور می شوند (پرونده مهاجرت ایران گیت، ۱۳۹۸: ۷۸).

بر اساس گزارش موسسه اروپایی مدیریت کسب و کار، در سال ۲۰۱۹، ایران از نظر شاخص جهانی رقابت پذیری استعدادها (شاخصی برای اندازه‌گیری توان کشورها در رقابت بر سر استعدادها)، رتبه ۹۷ را در بین ۱۲۵ کشور جهان کسب کرده است (پرونده مهاجرت ایران گیت، ۱۳۹۸: ۷۹).

با توجه به ارقام فوق می توان گفت که مهاجرت نخبگان در ایران به عنوان یکی از مهمترین مسائل عمده کشور است و اگر سیاستگذاری و برنامه ریزی در این زمینه انجام نشود، شاهد افزایش روز افزون این نوع مهاجرت‌ها خواهیم بود. همان طور که گفته شد مهمترین رسالت بنیاد امور نخبگان، شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به کارگیری و پشتیبانی از آنان است. برای پاسخگویی به این اهداف باید تحقیقاتی در مورد میزان تمایل نخبگان تحت پوشش این بنیاد به مهاجرت خارج از کشور و عوامل اجتماعی، اقتصادی، علمی و پژوهشی موثر بر آن صورت گیرد تا این بنیاد بتواند در جذب و نگهداشت آنها موثر تر عمل نماید. این تحقیق با هدف پاسخگویی به همین سوالات اجرا شده است.

در این مطالعه ابتدا با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۲ نفر از افراد نخبه تحت پوشش بنیاد ملی نخبگان عوامل عمده اجتماعی - اقتصادی جاذبه و دافعه مبداء و مقصد مهاجرت نخبگان از طریق مصاحبه‌های عمیق مورد نظر سنجی قرار گرفت و بر اساس جمع‌بندی یافته‌های به دست آمده از این مرحله، پرسشنامه بخش کمی تنظیم گردید. در مرحله دوم با استفاده از روش پیمایش، میزان گرایش نخبگان تحت پوشش بنیاد نخبگان به مهاجرت خارج کشور مورد سنجش قرار گرفت و عوامل جاذبه و دافعه اجتماعی - اقتصادی موثر بر آن شناسایی و با آزمون‌های آماری سنجیده شدند.

۱. این بنیاد در سال ۱۳۸۳ با هدف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای شناسایی، هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان، جذب، حفظ و به کارگیری و پشتیبانی از آنان تاسیس گردید.

مروری بر تحقیقات پیشین

مطالعات بسیاری در ایران و جهان پیرامون عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان انجام شده است و هرکدام از زاویه‌ای خاص به موضوع نگریسته اند. از میان آنها، نمونه‌های زیر قرابت بیشتری با موضوع این مطالعه دارند:

مطالعات داخلی

جواهری و سراج زاده (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور»، از روش تحلیل ثانویه استفاده کردند. نتایج نشان داد که ۵۹ درصد از دانشجویان در حد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد گرایش به مهاجرت به خارج از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد در اندیشه مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر پایبندی به جامعه ملی و دینداری به عنوان عوامل بازدارنده و نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه به عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفت.

صالحی عمران (۱۳۸۵) در تحقیقی به «بررسی نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور» پرداخت و به دو دسته از عوامل رانشی (دافعه‌های داخلی) و عوامل کششی (جاذبه‌های خارجی) توجه کرد. این تحقیق از نوع توصیفی بود. نتایج حاصل از این نظرسنجی نشان داد که عواملی نظیر عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری به طور «زیاد» و «خیلی زیاد» به عنوان عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور مؤثر هستند. همچنین امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقا و رشد علمی و حرفه‌ای، وجود فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به دستمزد بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و نهایتاً ارتباط بهتر تخصص با نیازهای جامعه خارجی به ترتیب در دیدگاه اعضای هیئت علمی به عنوان عوامل کششی قلمداد شدند.

ارشاد و حمایت خواه جهرمی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل موثر بر تمایل به برون کوچی نخبگان علمی ایران»، به این نتیجه رسیدند که حدود ۹۲/۵ درصد از نخبگان علمی تمایل به برون کوچی از کشور دارند و مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر تمایل آنها به مهاجرت، شرایط داخلی حاکم بر جامعه ایران (دافعه) و نقطه مقابل آن، تصور اجتماعی مطلوب از شرایط حاکم در کشورهای پیشرفته (جاذبه) است.

فلاحی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه‌های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده» انجام داد. در این پژوهش به منظور یافتن راهبردهای مناسب برای کاهش و پیشگیری از پدیده مهاجرت نخبگان (نیروی انسانی)، نظرات مهاجران بالفعل و مهاجران بالقوه در مورد عوامل کششی و رانشی مقصد و مبدا مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. داده‌های به دست آمده از هر دو گروه، طبقه بندی و با یکدیگر مقایسه شد. نتایج نشان داد عوامل ۱- علمی، آموزشی و پژوهشی، ۲- اقتصادی، ۳- فرهنگی، اجتماعی، ۴- سیاسی- مدیریتی در مهاجرت نخبگان هر دو جامعه مورد مطالعه، دخیل بوده اند. با توجه به یافته‌های این بررسی و زیر مجموعه‌های چهار عامل یاد شده، نقاط قوت و ضعف محیط مبدا و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط مقصد مشخص و مورد کنکاش قرار گرفت و در نهایت هفت راهبرد ارائه گردید.

نتیجه پژوهش نشان می دهد عوامل سیاسی - مدیریتی، بیش از عوامل دیگر در گریز نخبگان در جامعه مورد بررسی نقش داشته اند. از نوآوری های این تحقیق بررسی دیدگاه های مهاجران بالقوه و مقایسه این دیدگاه ها با نظر مهاجران بالفعل در مورد عوامل مهاجرت نخبگان و استفاده از ماتریس SWOT برای تعیین راهکارهای مناسب است.

رقیه پناهی (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان از ایران»، به بررسی موضوع از منظر اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز پرداخته است. از تحلیل یافته های به دست آمده از ۸۰ نفر از پاسخ دهندگان به پرسش این محقق، عوامل مؤثر بر مهاجرت مغزها در دو دسته عوامل دافعه و جاذبه طبقه بندی شد. مهمترین عوامل دافعه عبارت بودند از: فقدان آزادی های مدنی، نارضایتی از وضعیت موجود، نادیده گرفتن یا کم توجهی به متخصصان، فقدان تسهیلات پژوهشی، محیط سیاسی، ارزش قائل نشدن برای دانش، بیکاری، فقدان امنیت شغلی و امیدهای پایین به آینده. همچنین، مهمترین عوامل جاذبه عبارت بودند از: حقوق بالاتر، احساس آزادی بیشتر، محترم شمردن علم و دانش توسط حاکمان و مسئولان، داشتن زندگی ذهنی و روحی توأم با صلح و آرامش، امیدواری بیشتر به آینده، اهمیت قائل شدن برای نخبگان در کشورهای توسعه یافته، امنیت شغلی، آزادی اجتماعی و فرهنگی و منزلت اجتماعی بالاتر.

پدرام جواد زاده (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه های آمریکا»، با استفاده از روش پیمایش در میان دو جامعه آماری (یکی، ۱۰۰ نفر از دانشجویان فوق لیسانس و دکترای رشته های فنی که برای ادامه تحصیل و کار به کشور آمریکا مهاجرت نموده بودند و دومی، ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران، امیرکبیر و صنعتی شریف) به این نتیجه رسید که متغیرهای سبک زندگی حاکم بر جامعه ایران، ساختار روابط اداری مراکز علمی و اجرایی کشور و قوانین اجرایی کشور به عنوان عوامل دافعه در مبداء و دستیابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج و شغل مناسب به عنوان عوامل جاذبه در مقصد بر مهاجرت نخبگان اثر داشته است.

کیانی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف «ارائه مدل ساختاری از عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه در دانشگاه سمنان» تلاش داشته اند تا با استفاده از روش پژوهش توصیفی - همبستگی و مبتنی بر معادلات ساختاری و در جامعه و نمونه آماری شامل دانشجویان (دختر و پسر) استعداد درخشان دانشگاه سمنان (۱۱۴ نفر) در نیمسال دوم تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ این موضوع را مورد واکاوی قرار دهند. ابزارهای اندازه گیری شامل پرسشنامه محقق ساخته و پرسشنامه گرایش به مهاجرت بوده است. یافته های پژوهش، ۷ عامل اصلی را به عنوان عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از دانشگاه سمنان نشان داده اند که عوامل علمی - آموزشی و روان شناختی به ترتیب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده اند.

سید خلیل حسینی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته»، با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) با محوریت روش کمی و انتخاب ۴۰۵ نفر از دانشجویان نخبه دانشگاه های دولتی و آزاد در شهر تهران و در روش کیفی انجام مصاحبه های عمیق با ۳۰ نفر از نخبگان مهاجر ساکن آمریکا و تأکید بر نظریه های جاذبه و دافعه، جهانی شدن، چرخش مغزها

و مهاجرت بین المللی نیروی انسانی و نهایتاً چارچوب نظری پارسونز در چهار بعد نظام اجتماعی (ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)، به نتایج زیر دست یافت:

نتایج به دست آمده از مصاحبه های عمیق در بخش کیفی: عدم امنیت شغلی، ناکامی، عدم رفاه اجتماعی، بی توجهی به استعداد نخبگان، عدم برخورداری از حقوق شهروندی، عدم امنیت اقتصادی و عدم انگیزه تحصیلی به عنوان عوامل دافعه مبداء و سبک زندگی مدرن، امکان پیشرفت تحصیلی، فضای جذب نخبگان و فضای درون خانواده به عنوان عوامل جاذبه مقصد.

نتایج بخش کمی: گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته، ۵۶ درصد زیاد، ۲۹ درصد متوسط و ۱۵ درصد کم بوده است. در ضمن گرایش نخبگان به مهاجرت با ابعاد چهار گانه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) جوامع مبداء و مقصد همبستگی دارد و در آزمون رگرسیون این متغیر ها ۲۳ درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین می کنند.

مطالعات خارجی

موراکامی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «فرار مغزها در ژاپن؛ تحلیلی از محققان ژاپنی ساکن در آمریکا» در مورد انگیزه های مهاجرت با استفاده از نتایج به دست آمده از یک نظر سنجی در بین محققان علمی در شانزده دانشگاه و هفت موسسه تحقیقاتی وابسته به موسسات برجسته تحقیقاتی ایالات متحده بررسی کرد. نمونه تحقیق وی شامل افرادی بود که برای انجام دادن تحقیقات در دوره دکتری به آمریکا رفته بودند. نتایج پژوهش نشان داد که مهم ترین عامل ایجاد انگیزه در مهاجرت در میان محققان ژاپنی در دسترس بودن محیط تحقیقاتی عالی است که به وسیله سطح پیشرفته توسعه علم و فناوری، بودجه فراوان، کیفیت بالای امکانات و کارکنان، تنوع منابع انسانی، وجود داشتن فرصت بحث آزاد و کاهش مسئولیت برای انجام دادن کارهای گوناگون اندازه گیری شد. همچنین، محیط تحقیقاتی در تصمیم گیری به بازگشت به وطن مؤثر بوده است و محققانی که از محیط پژوهش مطلوب لذت برده اند و سطح رضایت بالایی دارند، به احتمال زیاد به میهن خود بر نمی گردند.

بنگ و میترا^۲ (۲۰۱۱)، تحقیقی را با عنوان «فرار مغزها و نهاد های حکمرانی» انجام دادند و به بررسی اثر نهاد های کشور مبدأ بر سطح مهار مهاجران در آمریکا طی دوره زمانی ۱۹۸۸-۱۹۹۸ پرداختند. در این مطالعه از ۱۵ متغیر نهادی (شامل ثبات سیاسی دولت، شورش های داخلی و خارجی، کشمکش های نژادی، شاخص حمایت از حقوق مالکیت، شاخص عدم فساد، کیفیت بوروکراسی، شکل سرمایه گذاری، دموکراسی، شاخص سیاست و...) برای بررسی اثر کیفیت و ثبات نهادها بر سطح مهارت مهاجران و همچنین تعداد مهاجران در آمریکا استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که متغیر های ثبات سیاسی دولت، شکل سرمایه گذاری و کیفیت بوروکراسی در کشورهای مبدأ به طور قابل توجهی بر جریان مهاجرت به آمریکا تأثیر دارد و موجب کاهش این جریان در طول دوره مورد مطالعه شده است. علاوه بر این، تأثیر متغیرهایی نظیر حمایت از حقوق مالکیت و شفافیت به طور معناداری موجب کاهش تعداد کل مهاجران و مهاجران دارای

1. Murakami

2. Bang & Mitra

مهارت بالا به آمریکا شده است. لذا عدم حمایت از حقوق مالکیت، یکی از عوامل اصلی مهاجرت نیروی کار ماهر به ایالات متحده محسوب می‌شود.

آکمن^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر مهاجرت بین‌المللی دانشجویان: بررسی و ارزیابی موردی ترکیه» نشان داد که عوامل جاذبه در قصد دانشجویان دانشگاه به مهاجرت، در جنسیت متفاوت و تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از تعداد عوامل جاذبه در زنان دانشجویان بوده است. تعداد عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت به طور معناداری با تصمیم به کار کردن در خارج، تصمیم به زندگی در خارج و تصمیم به اقامت در خارج رابطه داشت، اما بین عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت با قصد بازگشت به ترکیه، حمایت خانواده، سطح تحصیلات والدین و عملکرد موسسات مطالعاتی تحقیق و توسعه در خارج ارتباطی وجود نداشت.

ریبیارو و همکاران^۲ (۲۰۱۳) وضعیت مهاجرت متخصصان حوزه بهداشت و پزشکی را در کشور پرتغال مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها اشاره نمودند که از اوایل دهه ۱۹۹۰ کشور پرتغال مقصد مهاجرت متخصصان حوزه مراقبت‌های بهداشتی از دیگر نقاط جهان شده بود، اما این وضعیت در حال حاضر تغییر کرده و به جای اینکه این متخصصان به کشور پرتغال عزیمت کنند، متخصصان پرتغالی از این کشور مهاجرت می‌نمایند. آن‌ها علت این امر را عمدتاً به عواملی چون جستجو برای فرصت‌های اشتغال بهتر و کسب فرصت‌های توسعه حرفه‌ای نسبت می‌دهند. آن‌ها اضافه می‌کنند که برخی از مهاجرت‌های حوزه پزشکی کشور پرتغال مثل دانش‌آموختگان رشته پرستاری و دندانپزشکان به دلیل یافتن شغل، دستمزدهای پایین در حوزه‌های دولتی و خصوصی، سنگینی حجم کار، پاداش غیرمتناسب با عملکرد و دورنمای شغلی ضعیف صورت می‌گیرد. لی و مون^۳ (۲۰۱۳)، تمایل و دلایل و ترجیحات ۷۱۷ دانشجوی رشته پرستاری را در کشور کره برای مهاجرت به خارج از کشور مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های تحقیقاتی آن‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد پاسخ دهندگان، احتمالاً یا قطعاً به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. تعداد خانم‌ها در مقایسه با آقایان، به طور معناداری بیشتر بود. ۶۴ درصد پاسخ دهندگان ابراز کردند که احتمالاً به کره برمی‌گردند. دو دلیل عمده مهاجرت این مشارکت‌کنندگان عبارت بود از: دلیل اقتصادی (حقوق با ۲۹/۷ درصد) و توسعه حرفه‌ای (۲۸/۲ درصد). بیش از نیمی از این پاسخ دهندگان ترجیح دادند که به ایالات متحده مهاجرت نمایند.

هرکوگ^۴ و ون دو لار^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «انگیزه‌ها و محدودیت‌های رفتن به خارج از کشور برای دانشجویان هندی» با ترکیب داده‌های پرسش‌نامه‌ای روش کمی و مصاحبه عمیق روش کیفی در پنج دانشگاه هند، به بررسی نقش سوابق و پیشینه‌های خانوادگی و فردی دانشجویان، عوامل آکادمیک از نظر علمی و پژوهشی، شبکه اجتماعی حضور دانشجویان در فضای آکادمی و اولویت و انگیزه‌های آنان در انتخاب مکان زندگی در خارج از کشور پرداخته‌اند. نوع دانشگاه و رشته تحصیلی، یکی از عوامل قوی پیش‌بینی‌کننده علت

1. Akman
2. Ribeiro (2013)
3. Lee & Moon (2013)
4. Hercog
5. van de Laar

رفتن دانشجویان به خارج از کشور بوده است. افرادی که اهمیت زیادی به عوامل شغلی و کار می دهند، فعال تر می باشند. از سوی دیگر، افرادی که تمرکز زیادی بر روی خانواده و روابط دوستی و نیز بر روی امنیت اجتماعی دارند، ترجیح می دهند در هند بمانند.

با توجه به پیشینه تحقیق، به نظر می رسد از مهم ترین نقاط قوت تحقیقات انجام شده، تحلیل و کنکاش در تبیین عوامل تأثیرگذار رانشی و کششی بر مهاجرت نخبگان بوده است؛ به طوری که طیف وسیعی از عوامل مؤثر بر پدیده مهاجرت نخبگان، از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و آموزشی و علمی را شامل می شود.

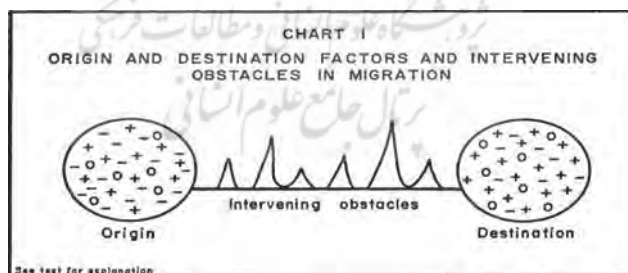
مبانی نظری پژوهش

در زمینه تبیین عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان، نظریه های متفاوتی ارائه شده که هریک از آن ها به جنبه خاصی از آن پرداخته اند. در این بخش مهمترین نظریه های مرتبط با مهاجرت نخبگان ارائه می گردد:

نظریه اورت. اس. لی^۱

اورت. اس. لی اقتصاددانی است که در سال ۱۹۶۶ نظریه کلاسیک «جاذبه-دافعه» را مطرح نموده است. وی عوامل مهم و مؤثر در تصمیم گیری برای مهاجرت بین المللی را بدین شرح طبقه بندی کرده است:

- عوامل مرتبط با حوزه مبدأ مهاجرت (برانگیزنده و بازدارنده)
 - عوامل مرتبط با حوزه مقصد مهاجرت (برانگیزنده و بازدارنده)
 - موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد
 - عوامل شخصی
- سه مورد اول به صورت شماتیک در نمودار پایین مشخص شده است



شکل ۱: عوامل موجود در محل اولیه و مقصد و موانع مهاجرت از نظری (ماخذ: لی، ۱۹۹۶: ۵۰)

نظریه لی به تئوری دافعه و جاذبه معروف است و بر این اساس، در صورت مثبت بودن برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده، تمایل به مهاجرت در فرد ایجاد می شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود

در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکنند، مهاجرت عینیت می یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می کند. (صادقی نژاد و مظلوم خراسانی، ۱۳۹۷: ۱۱).

نظریه پرداز دیگری، به نام پرتز^۱ سه عامل تعیین کننده فرار مغزها را از هم متمایز کرده است. این عوامل عبارت اند از: عوامل جذب کشور پذیرنده، عوامل دفع کشور مبدأ و عوامل فردی که دو عامل اول در سطح کلان و عامل سوم در سطح خرد می باشد (بندیکت^۲ و اکیپر^۳، ۲۰۱۲: ۲۴۲۵).

الگوی جهان گرایا بین المللی در برابر الگوی ملی گر

این الگو توسط جانسون^۴ مطرح شد و از دیگر طرفداران آن می توان به گروبل و اسکات^۵ اشاره کرد. در این الگو سرمایه انسانی همانند سرمایه فیزیکی، از مناطق یا مشاغلی که دارای بازده پایین تری است خارج می شود و به سمت مناطق یا مشاغل دارای بازده بیش تر جریان می یابد.

در الگوی جهان گرا، پدیده فرار مغزها، نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی روی سرمایه انسانی و نیروی فکری است. بر این اساس، «سرمایه انسانی از موقعیت تحصیلی و شغلی ضعیف یا از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت نقطه مقابل آن، یعنی امکانات تحصیلی بالا و مشاغل پردرآمد در مناطق جغرافیایی مناسب تر انتقال می یابد. چنین جریانی دارای سود دوجانبه برای کشور فرستنده و گیرنده است و بدین ترتیب، در افزایش منابع جهانی تأثیر مثبت می گذارد (سیدمیرزایی، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۴).

نظریه دوگانگی ساختار

استفاده از نظریه دوگانگی ساختار جهت بررسی مهاجرت نخبگان، تبیین تازه ای است که گروهی از صاحب نظران به پیروی از نظریه دوگانگی ساختار آنتونی گیدنز^۶ و استفاده از آن در تبیین مهاجرت بین المللی و فرار مغزها ارائه داده اند (گیدنز ۱۳۷۱، به نقل از ارشاد، ۱۳۸۰: ۳۸۶). با استنتاج از تبیین گیدنز، کارگزاری انسانی، مجموعه ای از شبکه پیچیده ای است که عملی به نام مهاجرت یا به طور کلی فرار مغزها را به وجود می آورد و کارگزاران انسانی، کنشگرانی هستند که در اثر شرایط تاریخی - اجتماعی موجود کشور و با گزینش خود، عامل اصلی موضوعی به نام فرار مغزها می شوند. وی چنین می اندیشد که ساختارهای کلان اجتماعی در شکل دادن عمل کارگزاری انسانی تأثیر دارد و کارگزار انسانی در ساختن جامعه به عنوان گسترده ترین ساختار اجتماعی مؤثر است (ارشاد، ۱۳۸۰: ۳۶۸).

نظریه بحران منزلتی

این رویکرد یک رویکرد فرهنگی- اجتماعی به مقوله مهاجرت نخبگان است. تصمیم به مهاجرت در این رویکرد محصول نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی خود در جامعه است. منزلت اجتماعی نیز دارای دو جنبه است:

الف) جنبه عینی که به رفاه و معیشت و سبک زندگی و میزان برخورداری آن ها از مواهب و مزایای اجتماعی

1. Portis
2. Benedict. O.H
3. W. I. Ukpere
4. Johnson
5. Grubel and Scott
6. Antoni Giddens

مربوط می شود.

ب) جنبه ذهنی و ادراکی که به برداشت نخبگان و جامعه از شأن و منزلت و جایگاه آنان برمی گردد و به این مقوله حالت نسبی می دهد.

چنانچه از نظر شاخص های عینی، این گروه واقعا در رفاه نباشند و منزلت و جایگاه در خور شأن نداشته باشند و نگرش و برداشت عمومی نیز اینچنین باشد، فرد نخبه ممکن است تصمیم به مهاجرت به مکانی بگیرد که فضای عمومی اجتماعی در آن، جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قائل است (گلد اسمیت^۱، ۱۹۹۶، به نقل از سلمانی و شریعت: ۱۶۴: ۱۳۹۷).

نظریه سرمایه انسانی

این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی متخصص برای دستاوردهای بهتر، از جایی به جای دیگر می رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین تصمیم گیری افراد متخصص به کوچ به مثابه نوعی تصمیم گیری برای سرمایه گذاری و بهره برداری از آن تلقی می شود. این نگرش چون مهارت انسانی را صرفاً به عنوان کالایی اقتصادی می انگارد، در تبیین جنبه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جذب و به کارگیری نخبگان و جابجایی نیروی انسانی نخبه باز می ماند، بویژه اینکه مهاجرت را تنها در سطح جامعه شناسی خرد می نگرد و جنبه های کلان جامعه شناختی را مورد توجه قرار نمی دهد (ارشاد، ۱۳۸۰: ۳۷۲).

چارچوب نظری پژوهش

تقریباً تمام نظریه پردازان، عوامل مؤثر بر مهاجرت سرمایه انسانی را به دو بخش تقسیم می کنند: عوامل رانش در مبدأ و عوامل مؤثر کشش در مقصد. کسانی که به این عوامل توجه می کنند، لزوماً در چارچوب نظریه جذب و دفع که اولین بار «لی» آن را ارائه داد، قرار نمی گیرند. برخی از نظریات علل مهاجرت را عوامل اقتصادی مانند پایین بودن سطح درآمد می دانند و برخی دیگر علت این امر را در قوی بودن کشش و جذب در کشور مقصد و دافعه در کشور مبدأ در نظر می گیرند. برخی دیگر از نظریات بر عوامل خارجی تأکید بیشتری دارند. این دسته از نظریه پردازان بیشتر بر عوامل کششی در کشورهای مهاجرپذیر تأکید دارند. در این تحقیق برای تنظیم چارچوب نظری و فرضیات تحقیق، از نظریات «جاذبه دافعه» اورت لی و پرتز، «الگوی جهان گرای» جانسون مینی بر مهاجرت سرمایه انسانی و نیروهای فکری از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت مناطق با امکانات تحصیلی و شغلی بالاتر، نظریه «دوگانگی ساختاری» آنتونی گیدنز در مورد عملکرد «بحران منزلتی» گلد اسمیت و تأکید او بر نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت عینی و ذهنی اجتماعی خود در جامعه - به این معنا که چنانچه از نظر شاخص های عینی، این گروه واقعا در رفاه نباشند و منزلت و جایگاه در خور شأن نداشته باشند و نگرش و برداشت عمومی نیز اینچنین باشد، فرد نخبه ممکن است تصمیم به مهاجرت به مکانی بگیرد که فضای عمومی اجتماعی در آن، جایگاه و منزلت بالاتری برای فرهیختگان و متخصصان قائل

است- و بالاخره نظریه «سرمایه انسانی» که معتقد است نیروی انسانی متخصص برای دستاوردهای بهتر، از جایی به جای دیگر می رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد، استفاده کرده ایم.



شکل ۲: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه‌های پژوهش که در پرتو چارچوب و مدل نظری تحقیق فرموله شده‌اند، عبارت‌اند از:
- عوامل اقتصادی در مبدا و مقصد در گرایش (تمایل) نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد.
 - عوامل اجتماعی در مبدا و مقصد در گرایش (تمایل) نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد.
 - عوامل علمی - پژوهشی در مبدا و مقصد در گرایش (تمایل) نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد.
 - عوامل مداخله‌گر در مبدا و مقصد در گرایش (تمایل) نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد.

- عوامل فردی و جمعیتی (جنسیت، سن، وضعیت تاهل، محل تولد، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، محل اخذ مدرک تحصیلی، وضعیت اشتغال و سابقه اشتغال، اقامت در خارج از کشور) در گرایش (تمایل) نخبگان به مهاجرت از کشور تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

به لحاظ روش شناختی، این مطالعه ترکیبی از روش کیفی و کمی است. جامعه آماری تحقیق را اعضای «بنیاد ملی نخبگان» در سال ۱۳۹۷ تشکیل می دهند، شامل سه دسته: ۱- دانشجویان، ۲- فارغ التحصیلان، ۳- برگزیدگان رویدادهای نخبگانی که تعداد آنها بنا به اعلام «بنیاد ملی نخبگان» تقریباً ۳۰۰۰ نفر (۲۰۰۰ نفر مرد و ۱۰۰۰ نفر زن) است.

۳۰۹ در بخش کیفی تحقیق با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی سعی شده است از طریق فنون مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده ها گردآوری و سپس با استفاده از استراتژی نظریه زمینه ای تحلیل شوند. روش انتخاب شرکت کنندگان، نمونه گیری هدفمند^۱ است. در این بخش ۲۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته با جامعه هدف انجام شد. سوالات اصلی و محوری برای مصاحبه شامل موارد زیر بود:

به نظر شما چرا نخبگان مهاجرت می کنند؟ چه عوامل اقتصادی- اجتماعی و علمی- پژوهشی در مبداء و مقصد سبب مهاجرت نخبگان می شود؟

نتایج به دست آمده از مصاحبه های عمیق، با روش استقرایی کد گذاری باز شد (تحلیل محتوایی متعارف) و کدهای باز براساس معانی مشترک ظاهری و مقایسه مداوم در قالب زیر طبقه و طبقه های فرعی و اصلی دسته بندی گردیدند. سپس بر اساس نتایج به دست آمده از این مرحله پرسشنامه بخش کمی تنظیم گردید. در بخش کمی روش مورد استفاده، پیمایش^۲ بود. برای جمع آوری اطلاعات لازم، از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. در این بخش از تحقیق با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۸۳ نفر محاسبه شد. از آن جا که قصد بر آن بود که با اعتبار بالایی این تحقیق صورت گیرد، حجم نمونه مورد مطالعه ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد. برای گزینش نمونه های تحقیق، از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. روایی سوالات پرسشنامه از نوع روایی سازه می باشد و پایایی^۳ آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. آلفای کرونباخ برای متغیرهای تمایل به مهاجرت، عوامل اقتصادی در مبدا و مقصد، عوامل اجتماعی در مبدا و مقصد، عوامل علمی- پژوهشی در مبدا و مقصد و عوامل مداخله گر در مبدا و مقصد به ترتیب برابر ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۷۲، ۰/۷۵، ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۴ و ۰/۷۰ به دست آمد که چون همه آنها بیش از ۰/۷۰ می باشند، لذا گویه های مربوط به هریک از شاخص ها از پایایی لازم برخوردار هستند. پس از گردآوری داده های مورد نیاز، تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها با استفاده از نرم افزار Spss انجام شد.

1. Purposive Sampling
2. Survey
3. Reliability

تعریف متغیرهای پژوهش

تمایل به مهاجرت

تمایل، نوعی گرایش یا آمادگی زمینه‌ای و سازمان یافته برای اندیشیدن، احساس، ادراک و رفتار کردن نسبت به یک موضوع شناختی است و می‌توان گفت آن ساختار پایداری از باورهاست که افراد را برای رفتار انتخابی مانند مهاجرت آماده می‌سازد. به منظور سنجش این متغیر از ۹ گویه که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده، استفاده گردید.

عوامل اقتصادی در مبدا

شاخص‌هایی که برای بررسی این متغیر به کار رفته اند عبارت اند از: عدم تعادل هزینه و درآمد در ایران و وجود فسادهای مالی در کشور که با ۱۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته اند.

عوامل اقتصادی در مقصد

شاخص‌های مورد سنجش عبارت اند از: امکانات زندگی، احساس امنیت اقتصادی و فرصت‌های رشد و پیشرفت، بالا بودن درآمد نخبگان در کشورهای پیشرفته و وجود امکانات رفاهی بیشتر در این کشورها که با ۱۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته اند.

عوامل اجتماعی در مبدا

شاخص‌های این مقوله عبارت اند از: عدم امنیت، احساس امنیت فردی و اجتماعی، فرصت‌های رشد و پیشرفت و شایسته‌سالاری که با ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفته اند.

عوامل اجتماعی در مقصد

با شاخص احساس آزادی تفکر و اندیشه که توسط ۴ گویه سنجش شده است.

عوامل علمی - پژوهشی در مبدا

شاخص‌های سنجش این عوامل کارا نبودن سیستم آموزشی، ضعف مدیریت دولتی در فعالیت‌های تحقیقاتی، نظام آموزشی و اداری ناکارآمد و نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران هستند که توسط ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته اند.

عوامل علمی - پژوهشی در مقصد

با شاخص تسهیلات تحقیق در مقصد که با ۳ گویه سنجیده شده است.

میزان استفاده از رسانه، تعهد (ملی، سیاسی، ارزشی)، کاهش عرق ملی به وطن و احساس ناامیدی نسبت به آینده خود، شاخص‌های انتخابی برای سنجش عوامل مداخله‌گر در مبدا هستند که با ۹ گویه سنجیده شده اند.

عوامل مداخله‌گر در مقصد

شاخص انتخابی میزان ارتباط با خارج می‌باشد که با ۲ گویه مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کیفی

با استفاده از نظریه زمینه‌ای (GT) و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۲ نفر از اعضای جامعه هدف، اطلاعات لازم جمع‌آوری و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد کدگذاری و دسته‌بندی قرار گرفتند. در بخش کدگذاری باز ۱۰۷ مفهوم استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری با مقایسه مفاهیم مختلف، زمینه‌های مشترک بیشتری میان آن‌ها کشف شد که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان را فراهم کرد. با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است امکان پذیر گردید. حاصل این مرحله از فرایند پژوهش، شکل‌گیری "مولفه‌ها" است. در آخرین مرحله کدگذاری، وجوه مشترک مولفه‌های به دست آمده از مراحل قبلی، شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آن‌ها، در دسته‌بندی کلی تری سامان‌دهی شدند که نتیجه آن را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد. با مراجعه به این جدول مشاهده می‌شود که عوامل اقتصادی شامل مشکلات کاری، مالی و رفاهی، سرمایه‌گذاری و بودجه‌های پژوهشی، عوامل اجتماعی - فرهنگی شامل مشکلات اجتماعی فرهنگی در سه بعد: برخورد با نخبگان، فضای عمومی و ارتباط نخبگان در برخورد با جامعه، عوامل علمی - پژوهشی شامل مشکلات علمی در ارتباط با بازار کار و در ارتباط با دانشگاه‌ها، عوامل مدیریتی شامل مشکلات ساختاری، اداری، انتصاب مدیران، برنامه‌ریزی و مدیریت علمی پژوهشی، عوامل قانونی شامل مشکلات موجود در وضع و اجرای قوانین و عوامل زیرساختی شامل مشکلات موجود در پژوهش و تحقیقات، زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعات، تکنولوژی و مشکلات مربوط به نگرش مدیران در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور موثر هستند. چنانکه ملاحظه می‌شود نخبگان مورد مطالعه در بخش کیفی یعنی مصاحبه‌های عمیق با پاسخگهای تشریحی خود، بیشتر به عوامل و مشکلات موجود در کشور (یعنی عوامل دافعه) در ابعاد مختلف برای گرایش و انگیزه نخبگان به مهاجرت خارج از کشور اشاره کرده‌اند.

جدول ۱: مقوله‌ها و مولفه‌ها مربوط به تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور بر اساس نتایج مطالعه کیفی

مقوله‌ها	مولفه‌ها
عوامل اقتصادی	مشکلات کاری نخبگان در ایران
	مشکلات مالی و رفاهی نخبگان در ایران
	مشکلات وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران
	مشکلات مربوط به بودجه پژوهشی در ایران
عوامل اجتماعی و فرهنگی	مشکلات اجتماعی و فرهنگی در برخورد با نخبگان در ایران
	مشکلات اجتماعی و فرهنگی عمومی در ایران
	مشکلات اجتماعی و فرهنگی نخبگان در برخورد با جامعه در ایران

مشکلات علمی در ارتباط با بازار کار در ایران	عوامل علمی - پژوهشی
مشکلات علمی در ارتباط با دانشگاه ها در ایران	
مشکل ساختاری	عوامل مدیریتی
مشکلات در ادارات	
مشکل در انتصاب مدیران	
مشکلات در برنامه ریزی	
مشکلات در مدیریت علمی پژوهشی	
مشکلات در وضع قوانین در ایران	عوامل قانونی
مشکلات در اجرای قوانین در ایران	
مشکلات در پژوهش و تحقیقات در ایران	عوامل زیر ساختی
مشکلات در زیر ساخت های ارتباطی در ایران	
مشکل در زیر ساخت اطلاعات در ایران	
مشکلات در زیر ساخت فناوری در ایران	
مشکلات مربوط به نگرش مدیران در ایران	

یافته های بخش کمی

در بخش کمی تحقیق، عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان به مهاجرت در ۵ بعد، عوامل فردی و جمعیتی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل علمی - پژوهشی و عوامل مداخله گر در مبدا و مقصد مورد ارزیابی قرار گرفته اند. در ابتدا سیمایی از وضعیت جمعیت شناختی پاسخگویان در جدول زیر ارائه می گردد:

جدول ۲: ویژگی های جمعیتی پاسخگویان

متغیر	گزینه	درصد
جنس	زن	۴۶
	مرد	۵۴
سن	کمتر از ۲۰ سال	۸
	۲۰-۲۴	۵۱/۵
	۲۵-۳۰	۱۸/۵
وضع تأهل	بالاتر از ۳۰ سال	۲۲
	مجرد	۸۲/۵
	متأهل	۱۷
	بدون همسر (طلاق یا فوت)	۰/۵

۲۸/۵	علوم پزشکی	رشته تحصیلی
۲۳	فنی مهندسی	
۲۷	علوم پایه	
۱۶	علوم انسانی	
۵/۵	هنر	
۱۹/۵	کارشناسی	مقطع تحصیلی
۳۳/۵	کارشناسی ارشد	
۲۷	دکتری	
۲۰	دکتری تخصصی و بالاتر	
۱۴	شاغل	وضعیت فعالیت
۷۱	دانشجو	
۱۰	دانشجو و شاغل	
۴	بیکار	
۱	بیکار قبلا شاغل	

نتایج به دست آمده از وضعیت جمعیت شناختی پاسخ‌گویان نشان داد که ۴۶ درصد آن‌ها زن و ۵۴ درصد مرد بودند که در این میان ۸ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۵۱/۵ درصد ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۸/۵ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال و ۲۲ درصد از آن‌ها بالاتر از ۳۰ سال سن داشتند. همچنین، ۸۲/۵ درصد آنان مجرد، ۱۷ درصد متأهل و ۰/۵ درصد آن‌ها بدون همسر در اثر طلاق یا فوت بوده‌اند و ۲۸/۵ درصد نخبگان در رشته علوم پزشکی، ۲۳ درصد فنی مهندسی، ۲۷ درصد علوم پایه، ۱۶ درصد علوم انسانی و ۵/۵ درصد در رشته هنر تحصیل کرده‌اند. همچنین از نظر مقطع تحصیلی، ۱۹/۵ درصد کارشناسی، ۳۳/۵ درصد کارشناسی ارشد، ۲۷ درصد دکتری و ۲۰ درصد دکتری تخصصی و بالاتر بودند. از نظر وضع فعالیت، ۱۴ درصد شاغل، ۷۱ درصد دانشجو، ۱۰ درصد دانشجو و شاغل، ۴ درصد بیکار و ۱ درصد بیکار قبلا شاغل بودند.

در ادامه نتایج مربوط به متغیر تابع یعنی گرایش به مهاجرت و متغیرهای مستقل ارائه می‌گردند. برای سنجش هر یک از متغیرها (متغیر تابع و متغیرهای مستقل) تعدادی عبارت (گویه) در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف ۵ قسمتی از خیلی زیاد تا خیلی کم مورد سنجش قرار گرفتند. برای سنجش تمام این ابعاد، ۷۳ گویه طراحی شده است.

پس از جمع‌آوری اطلاعات، برای ساختن شاخص تمایل به مهاجرت و ۸ شاخص مربوط به مبداء و مقصد، نتایج مربوط به گویه‌های هر یک از عوامل با یکدیگر ترکیب شد و سپس دامنه به دست آمده به پنج دسته خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تقسیم گردید. از تلفیق نتایج مربوط به گویه‌ها شاخص عوامل فوق ساخته شد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳: توزیع درصد نظر پاسخگویان در مورد میزان تمایل به مهاجرت و عوامل مربوط به مبداء و مقصد

متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
گرایش به مهاجرت نخبگان از کشور	۱۵	۲۲	۴۱	۱۵	۷	۳/۲۳
عوامل اقتصادی در مبدا	۱۴/۵	۹	۵۱/۵	۱۷	۸	۳/۰۵
عوامل اقتصادی در مقصد	۳	۸/۵	۲۳/۵	۱۰/۵	۵۴/۵	۱/۹۵
عوامل اجتماعی در مبدا	۹	۲۱	۴۸	۱۴/۵	۷/۵	۳/۰۹
عوامل اجتماعی در مقصد	۱۲	۲۰	۵۰/۵	۱۲/۵	۵	۳/۱۶
عوامل علمی پژوهشی در مبدا	۹/۵	۱۶	۴۶/۵	۲۵	۳	۳/۰۴
عوامل علمی پژوهشی در مقصد	۳۸	۲۱/۵	۲۹/۵	۴۵	۶/۵	۳/۱۸
عوامل مداخله‌گر در مبدا	۱۳	۳۴/۵	۲۲	۱۶/۵	۱۴	۳/۱۶
عوامل مداخله‌گر در مقصد	۱۴	۱۹/۵	۵۱/۵	۹/۵	۵/۵	۳/۲۷

چنان که ملاحظه می‌شود میانگین میزان تمایل نخبگان پاسخگو به مهاجرت خارج از کشور برابر ۳/۲۳ بوده، یعنی در حد بالاتر از حد متوسط است (حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۲۲ درصد در حد کم تمایل به مهاجرت خارج از کشور داشتند). میانگین نمره ۸ شاخص، عوامل اقتصادی در مبدا و مقصد، عوامل اجتماعی در مبدا و مقصد، عوامل علمی پژوهشی در مبدا و مقصد و عوامل مداخله‌گر در مبدا و مقصد به ترتیب برابر است با ۳/۰۵، ۱/۹۵، ۳/۰۹، ۳/۱۶، ۳/۰۴، ۳/۱۸، ۳/۱۶ و ۳/۲۷. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که عوامل علمی - پژوهشی و عوامل مداخله‌گر در مقصد دارای بیشترین نمره میانگین هستند و در عوض عوامل اقتصادی در مقصد و عوامل علمی - پژوهشی در مبداء دارای کمترین نمره میانگین می‌باشند.

نتایج کلی آزمون فرضیات پژوهش

در این مطالعه چون متغیر تابع در سطح متغیر کمی و متغیرهای مستقل در سطح متغیرهای رتبه‌ای هستند، برای آزمون فرضیات تحقیق، از آزمون آنالیز واریانس (آزمون F) استفاده شده که نتایج آن به شرح جدول زیر است.

ملاک رد یا قبول فرضیه‌ها در این آزمون، سطح معناداری (sig) در جدول خروجی است. اگر $sig < 0/05$ باشد، فرض صفر رارد و فرض یک تأیید می‌گردد. در صورت رد شدن فرض صفر نتیجه می‌گیریم که تفاوت بین میانگین‌های گروه در سطح ۵ درصد (با ۹۵ درصد اطمینان) معنادار است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

Sig	F	فرضیات
۰/۳۴	۱/۱۳	عوامل اقتصادی در مبداء در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۲۷	۱/۳۱	عوامل اقتصادی در مقصد در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۰۰	۷/۱	عوامل اجتماعی در مبداء در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۰۰	۷/۰۸	عوامل اجتماعی در مقصد در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۸۸	۰/۲۹	عوامل علمی پژوهشی در مبداء در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۰۰	۹/۲۴	عوامل علمی پژوهشی در مقصد در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۲۱	۱/۴۸	عوامل مداخله گر در مبداء در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد
۰/۰۱	۳/۱۱	عوامل مداخله گر در مقصد در گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تأثیر دارد

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت چهار فرضیه تأثیر عوامل اجتماعی در مبداء و مقصد، عوامل علمی در مقصد و عوامل مداخله گر در مقصد بر تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تایید و سایر فرضیه‌ها رد می‌شوند.

آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر

در این بخش به منظور تعیین ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر تابع (گرایش به مهاجرت) و معادله خط همبستگی از آزمون رگرسیون استفاده شده که نتایج تحلیل رگرسیونی در زیر ارائه می‌گردد:

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد شده	ضریب خطا
۱	۰/۵۳۴	۰/۲۸۶	۰/۲۴۵	۰/۶۲۶۹۴

طبق جدول فوق می‌توان گفت متغیرهای مستقل در تغییرات تمایل به مهاجرت نخبگان مورد مطالعه با $R = ۰/۵۳۴$ ، تاثیر معنادار ($sig = ۰/۰۴۴$) دارند و ضریب تعیین یا R^2 برابر است با $R^2 = ۰/۲۸۶$ یعنی این متغیرها می‌توانند حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر تابع یعنی تمایل به مهاجرت را تبیین نمایند.

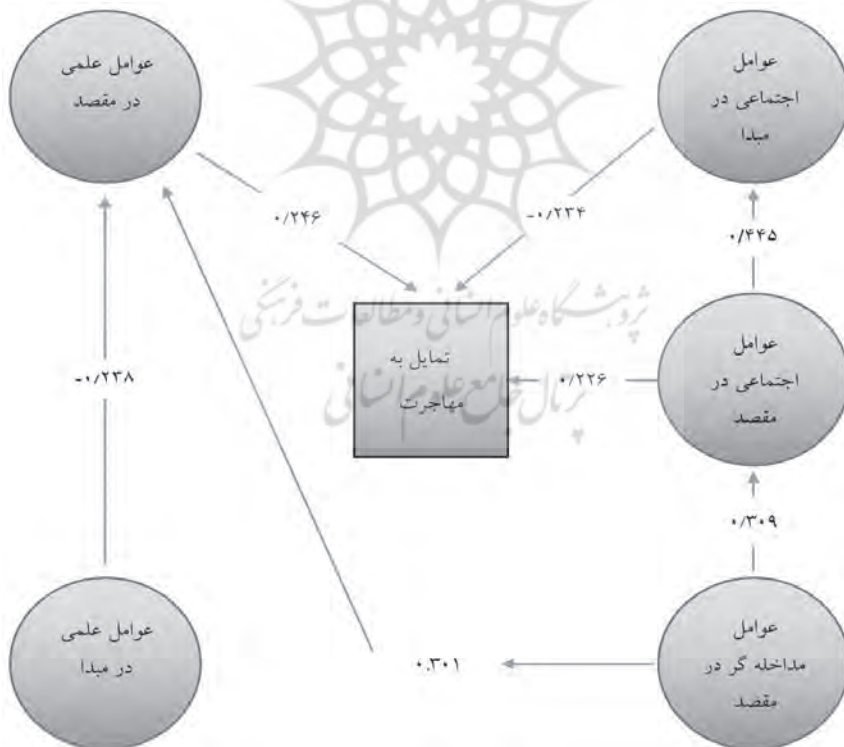
طبق نتایج جدول رگرسیون مشاهده می‌گردد که عوامل اجتماعی در مبداء به صورت معکوس و عوامل اجتماعی و علمی در مقصد به طور مستقیم بر تغییرات میزان گرایش نخبگان به مهاجرت تأثیر دارند و شکل عمومی معادله خط رگرسیون به صورت زیر می‌باشد:

$$Y = ۲/۶۱ - ۰/۴۳۶ (\text{عوامل اجتماعی در مبداء}) + ۰/۲۷۰ (\text{عوامل اجتماعی در مقصد}) + ۰/۲۳۴ (\text{عوامل علمی در مقصد})$$

در ادامه برای سنجش تأثیرات غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر تابع، از روش تحلیل مسیر استفاده نموده و براساس آن مدل تجربی تحقیق رسم شده است.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون‌های مداخله‌گر در تغییرات میزان گرایش نخبگان به مهاجرت

Sig	t	ضریب استاندارد شده بتا	معیار خطا	ضریب استاندارد نشده بتا	متغیرهای پیش بین
۰/۰۱	۲/۶۲۳		۰/۹۹۵	۲/۶۱	ضریب ثابت
۰/۴۶۳	۰/۷۳۵	۰/۰۶۵	۰/۲۶	۰/۱۹۱	عوامل اقتصادی در مبدا
۰/۸۱	-۰/۲۴	-۰/۰۲۱	۰/۰۷۷	-۰/۰۱۹	عوامل اقتصادی در مقصد
۰/۰۰۶	-۲/۷۹۱	-۰/۲۳۴	۰/۱۵۶	-۰/۴۳۶	عوامل اجتماعی در مبدا
۰/۰۰۶	۲/۷۸۷	۰/۲۲۶	۰/۰۹۷	۰/۲۷	عوامل اجتماعی در مقصد
۰/۸۳۷	۲/۰۶	۰/۰۱۷	۰/۱۴	۰/۰۲۹	عوامل علمی پژوهشی در مبدا
۰/۰۰۵	۲/۸۶۴	۰/۲۴۶	۰/۰۸۲	۰/۲۳۴	عوامل علمی پژوهشی در مقصد
۰/۲۶	-۱/۱۱۳۲	-۰/۰۸۳	۰/۱۶۲	-۰/۱۸۳	عوامل مداخله‌گر در مبدا
۰/۵۴۸	۰/۶۰۲	۰/۰۵	۰/۰۷۷	-۰/۰۴۷	عوامل مداخله‌گر در مقصد



شکل ۳: مدل تجربی تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور

طبق نمودار فوق، عوامل علمی در مقصد با بیشترین ضریب تاثیر (۰/۲۴۶) به صورت مستقیم بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت تاثیر دارد. پس از آن دو عامل اجتماعی در مبداء و اجتماعی در مقصد با ضرایب تاثیر (۰/۲۳۴-) و (۰/۲۲۶) به ترتیب به صورت معکوس و مستقیم بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور تاثیر دارند؛ به طوری که هرچه نمره عوامل اجتماعی در مبداء کاهش می یابد، میزان تمایل نخبگان به مهاجرت بیشتر می شود و بالعکس هر چه نمره عوامل اجتماعی در مقصد بیشتر باشد، تمایل به مهاجرت نیز افزایش می یابد. در ضمن عوامل مداخله گر در مقصد و عوامل علمی در مبداء به طور غیر مستقیم بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت تاثیر دارند.

جدول ۷: ضرایب تاثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مداخله گر در تغییرات تمایل به مهاجرت

نام متغیر	ضریب تاثیر مستقیم	ضریب تاثیر غیر مستقیم	ضریب تاثیر کل
عوامل علمی در مقصد	۰/۲۴۶		۰/۲۴۶
عوامل اجتماعی در مبداء	۰/۲۳۴		۰/۲۳۴
عوامل اجتماعی در مقصد	۰/۲۲۶		۰/۲۲۶
عوامل مداخله گر در مقصد		۰/۱۶	۰/۱۶
عوامل علمی در مبداء		۰/۰۵۸	۰/۰۵۸
کل	۰/۷۰۶	۰/۲۱۸	۰/۹۲۴

طبق یافته های جدول بالا که ضرایب تاثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر میزان تمایل نخبگان به مهاجرت را نشان می دهد، سه متغیر، عوامل علمی در مقصد، عوامل اجتماعی در مبداء و مقصد به ترتیب با ضرایب تاثیر ۰/۲۴۶، ۰/۲۳۴ و ۰/۲۲۶، به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر تغییرات میزان تمایل نخبگان به مهاجرت تاثیر دارند. در ضمن عوامل مداخله گر در مقصد و عوامل علمی در مبداء به طور غیر مستقیم بر میزان تمایل بر مهاجرت تاثیرگذارند و ضریب تاثیر کل متغیرهای مستقل بر متغیر تابع برابر ۰/۹۲۴ می باشد.

بحث و نتیجه گیری

نخبگان، سرمایه ها و عامل حیاتی در فرایند توسعه جامعه محسوب می شوند. مهاجرت آن ها از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته برای کشورهای مبداء بسیار زیان آفرین است. از این جهت بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور از مسائل اصلی جامعه امروز ایران است. در این تحقیق، پاسخ نخبگانی مورد تحلیل قرار گرفته که دارای عنوان نخبگی و تحت حمایت «بنیاد ملی نخبگان» در سال ۱۳۹۷ هستند. روش تحقیق، ترکیبی (کیفی و کمی) است. در بخش کیفی تحقیق ۲۲ مصاحبه نیمه ساختار یافته از جامعه هدف، حول محورهای چارچوب نظری تحقیق انجام شد. حجم نمونه

به اشباع نظری سوال‌های مورد بررسی بستگی داشت و روش انتخاب شرکت کنندگان چه در مصاحبه‌های گروه کانونی و چه مصاحبه‌های فردی، روش نمونه‌گیری هدفمند بود. در بخش داده‌های کیفی، با استفاده از نظریه زمینه‌ای (GT) و با اجرای مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی نتایج به دست آمده مقوله‌بندی شدند. عمده‌ترین عوامل و مشکلات برشمرده توسط پاسخگویان در مورد تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور عبارت‌اند از: مشکلات اقتصادی در زمینه کاری، مالی و رفاهی، سرمایه‌گذاری و بودجه‌های پژوهشی، مشکلات اجتماعی و فرهنگی در برخورد با نخبگان و فرهنگ عمومی، مشکلات علمی - پژوهشی در دستیابی به بازار کار مطلوب و مراکز علمی - پژوهشی در دانشگاه‌ها، مشکلات مدیریتی در ساختار ادارات، انتصاب مدیران و مشکلات برنامه‌ریزی، مشکلات قانونی در وضع و اجرای قوانین، مشکلات زیرساختی در پژوهش و تحقیقات و زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی و فناوری.

در بخش کمی تحقیق، نتایج نشان داد که حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۴۱ درصد در حد متوسط و ۲۲ درصد در حد کم تمایل به مهاجرت خارج از کشور داشتند. مقایسه این یافته‌ها با نتیجه تحقیق ارشاد و حمایت خواه (۱۳۸۶) که ۹۲/۵ درصد پاسخگویان تمایل به مهاجرت داشتند، تا حدودی مشابه است و علت تفاوت ارقام ناشی از درجه‌بندی نکردن میزان تمایل در تحقیق ارشاد و حمایت خواه می‌باشد.

بررسی روابط چند متغیری میان تک تک متغیرهای اصلی و متغیر وابسته نشان داد که ۴ متغیر (عوامل اجتماعی در مبدا و مقصد، عوامل علمی در مقصد و عوامل مداخله‌گر در مقصد) بر متغیر گرایش به مهاجرت تأثیر دارند. نتایج حاصل از بررسی روابط چند متغیری میان متغیرها از طریق تحلیل رگرسیون، نشان داد که عوامل علمی در مقصد (شامل وجود فضای مناسب برای بروز لیاقت‌ها و شایستگی‌های تحصیلی، رشد کیفی آموزشی و وسعت گرایش‌های علمی در دانشگاه‌های خارج) با بیشترین ضریب تأثیر (۰/۲۴۶) به صورت مستقیم بر میزان تمایل به مهاجرت تأثیر دارد. این یافته با نظریه الگوی جهان‌گرای جانسون و نظریه سرمایه انسانی انطباق دارد. همچنین با نتایج یافته‌های حسینی (۱۳۹۸) و مورکامی (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد. پس از آن عوامل اجتماعی در مبدا (شامل پرتنش بودن فضای سیاسی، فقدان آزادی بیان، مساوی نبودن فرصت‌های ارتقا، در حاشیه قرار داشتن افراد تحصیل کرده و نخبه، عدم دخالت مهارت و شایستگی در جذب و استخدام‌ها، عدم امنیت اجتماعی و عدم امکان بروز شایستگی‌ها) با ضریب تأثیر ۰/۲۳۴ بر میزان تمایل به مهاجرت نخبگان تأثیر داشته است. این یافته با نظریه‌های دوگانگی ساختاری و بحران منزلتی هماهنگی دارد. در ضمن با نتایج یافته‌های جواهری و سراج‌زاده (۱۳۸۴)، صالحی عمران (۱۳۸۵)، ارشاد و حمایت خواه (۱۳۸۶)، پناهی (۲۰۱۲)، حسینی (۱۳۹۸) و مورکامی (۲۰۱۰) مشابه است. عوامل اجتماعی در مقصد (شامل قابل احترام بودن عقاید افراد، منزلت بالای اجتماعی تحصیل‌کردگان و امکان ابراز عقاید سیاسی) با ضریب تأثیر ۰/۲۲۶ به صورت مستقیم بر میزان تمایل به مهاجرت نخبگان تأثیر داشته است. این یافته، نظریات دوگانگی ساختاری و بحران منزلتی را تأیید می‌نماید. همچنین مؤید یافته‌های ارشاد و حمایت خواه (۱۳۸۶)، فلاحی (۱۳۹۲)، پناهی (۲۰۱۲) و مورکامی (۲۰۱۰) است. در ضمن عوامل مداخله‌گر در مقصد (شامل ترغیب اقوام و دوستان و شرکت در کنفرانس‌ها) و عوامل علمی در مبدا (شامل کمبود امکانات آموزشی، وجود مشکلات

پژوهشی و فقدان فضای علمی) به طور غیر مستقیم بر تمایل به مهاجرت پاسخگویان تاثیر دارند. این یافته با نتایج صالحی عمران (۱۳۸۵) و پناهی (۲۰۱۲) مبنی بر نبود تسهیلات لازم برای پژوهش همخوان است. در جمع بندی کلی می توان گفت که عمده ترین عامل موثر بر تمایل نخبگان به مهاجرت خارج کشور، ضعف فضاهای علمی و پژوهشی در کشور در مقایسه با امکانات و فضاهای علمی و پژوهشی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی کشورهای توسعه یافته و عدم توجه به تخصص و شایستگی افراد در مشاغل و به کار گیری افراد است. اساساً افراد نخبه به دلیل فقدان فضاهای کافی برای رشد و شکوفایی استعداد های خود و همچنین بها ندادن به پتانسیل های فعلی آنها در کشور تمایل به مهاجرت دارند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده می توان، راهکارهای زیر را جهت جلوگیری از مهاجرت نخبگان برشمرد:

- تقویت و توسعه همه جانبه فضاهای علمی و پژوهشی کشور؛
- اصلاح ساختار و رویه های اداری مراکز علمی و اجرایی و همچنین بازنگری در قوانین جاری در کشور به نحوی که مسیر برای انجام فعالیت های علمی و تحقیقاتی مورد نیاز نخبگان هموار گردد؛
- ایجاد بستر رشد و پیشرفت برای نخبگان کشور مبتنی بر نظامی شایسته سالاری؛
- عموم نخبگان پاسخگو به اهمیت دستیابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی عرضه شده در خارج از ایران تاکید کرده اند. بدون شک برای نگهداری این سرمایه های ارزشمند باید امکانات رفاهی، امنیت شغلی و طرح های حمایتی ویژه نخبگان تقویت گردد؛
- هدایت نخبگان به مشاغل هماهنگ با تخصص آنها.

منابع

- ارشاد، فرهنگ. (۱۳۸۰). «مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل های مختلف آن در شرایط کنونی». نامه انجمن جامعه شناسی ایران. شماره ۳: ۴۳-۶۰.
- ارشاد، فرهنگ و حمایت خواه، مجتبی. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به برون کوچی نخبگان علمی ایران (نظر سنجی از دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)». فصلنامه توسعه انسانی. دوره اول، شماره ۳.
- استاکلر، پیتر. (۱۳۸۰). کار در غربت. فرهنگ ارشاد. تهران: مؤسسه کار و تامین اجتماعی
- جواد زاده، پدرام. (۱۳۹۴). «علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه های آمریکا». مجله مدیریت فرهنگی. سال نهم، شماره ۲۸، صص ۹۴-۱۱۰.
- حسینی، سید خلیل. (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- دانش بنیان فناوری. (۱۳۹۸). پرونده مهاجرت گیت (حقایق و مغالطه ها پیرامون موضوع مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور). ستاد فرهنگ سازی اقتصاد دانش بنیان، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- سراج زاده، حسین و جواهری، فاطمه. (۱۳۸۴). «جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تربیت معلم).
- سیدمیرزایی، سیدمحمد. (۱۳۸۳). «نگاهی به پدیده فرار مغزها». نامه پژوهش فرهنگی. سال هشتم، دوره جدید، شماره ۹۰، ۸۱-۹۷.
- صادقی نژاد، مهسا و مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۹۷). «نگرش نخبگان علمی به آینده شغلی در ایران و تأثیر آن بر تمایل به مهاجرت». فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). دوره ۱۲، شماره ۳، ۷-۲۸.
- صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۵). «بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران)». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۸: ۸۰-۵۶.
- سلمانی، وحید و شریعت، محمدعلی. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر تسهیلات و حمایت های بنیاد ملی نخبگان بر تمایل دانشجویان و دانش آموختگان صاحب استعداد های برتر و نخبه به مهاجرت». پنجمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران، انجمن مدیریت ایران.
- فلاحی، کیومرث و منوریان، عباس. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مهاجرت نخبگان (سرمایه های انسانی) و ارائه راهبردهای مناسب برای پیشگیری از این پدیده». نشریه دانش و توسعه. پاییز ۱۳۹۲، دوره ۱۵، شماره ۲۴: ۱۰۳-۱۳۲.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳). «زمینه ها و بسترهای علمی و اجتماعی فرار مغزها». مجموعه مقالات همایش مسائل، مشکلات و چشم اندازهای اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در ایران. تهران، جهاد دانشگاهی.
- کیانی، کوشا؛ شهریاری پور، رضا؛ فرشید، مرادی و صدر، حسین. (۱۳۹۷). «مدل سازی ساختاری عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور در دانشگاه سمنان». نامه آموزش عالی. دوره ۱۱، شماره ۴۴: ۱۵۱-۱۲۱.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۷۱). نظریات جامعه شناسی معاصر. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی

- Akman, V. (2011). **“Factors in flouncing international student migration: A survey and evaluators of Turkeys case”**. Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, 13(3).
- Bang, J. T & M. (2011). **“Brain Drain Institutions of Governmence : Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998”**. Economic Systems, Vol. 35. NO. 3. PP. 335-354.
- Benedict, O. H. & W.I. Ukpere. (2012). **“Brain Drain and Development: Any Possible Gain from the Drain?”**. African Journal of Business Management, VOL. 6. No. &. PP. 2421- 2428
- Goldsmith. R. (1996). **“Studying Temperament Via Construction of the Toddler Behavior”**. SRCD (Society for Research in Child Development), volume 67.
- Hercog, Metka & van de Laar, Mindel. (2017). **“Motivations and Constraints of Moving Abroad for Indian Students”**. Migration & Integration, DOI 10.1007/s12134-016-0499-4, pp. 749-770.
- Lee, Everett, S. (1996). **“A Theory of Migration”**. Demography, University of Pennsylvania. Vol.3, No.1. pp47-57.
- Murakami, Y. (2010). **“Japans brain drain an analjsis of Japanese researches living in the United States”**. The Japanese Economy, 37(2), 23-57.
- Panahi, R. (2012). **“Factors Affecting Bran Drain from Iran”**. Journal of Basic and Applied Scientific Research. Vol. 2. No. 3. pp. 3003-3015.
- Ribeiro, J. S; C. Conceicao; J. Pereira; C. Leone; P. Mendonca: M. Temido ; C. P. Vieira & G. Dussault. (2013). **Health Professional Moving to ... and from Portugal**. Health Policy, In Press.
- United Nations. (2013). **“International Migration Report”**. Department of Economy and Social Affairs, Population Division.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی